

## آسیب‌شناسی اجتماعی-اقتصادی و امنیتی پدیده کولبری در استان کردستان

فریدون احمدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

### چکیده

امروزه در مناطق مرزی غرب کشور، مفهوم پدیده کولبری به یکی از مفاهیم رایج و پرتکرار تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که ساکنان مناطق مرزی این استان‌ها را با کولبران می‌شناسند و دولت و حاکمیت نیز به‌طور غیررسمی به این واژه مشروعیت داده‌اند. کولبران کسانی هستند که بار وارداتی از کشور عراق را بر پشت خود حمل کرده و عموماً از کشور عراق به داخل مرزهای ایران وارد می‌کنند. در مطالعه حاضر تلاش شده است تا پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و امنیتی پدیده رایج کولبری در این مناطق شناسایی شود. برای تحقق این هدف تحقیقی، ابتدا با مطالعه پیشینه تجربی و مصاحبه با ۲۰ نفر از کولبران صاحب‌نام عمده، آسیب‌های سه‌گانه احصاء شده است. سپس با طراحی پرسشنامه بر اساس اطلاعات به دست‌آمده و توزیع آن بین ۱۰۰ نفر دیگر از کولبران، میزان اهمیت و اولویت این آسیب‌ها مشخص شده است. مطالعه حاضر برحسب هدف کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پدیده کولبری پیامدهای منفی متعددی هم در زمینه‌های اقتصادی و هم در زمینه‌های اجتماعی-امنیتی برای ساکنان مناطق مرزی و دولت به همراه دارد. همچنین عواملی چون جبر محیطی و جبر ساختاری باعث رواج پدیده کولبری در مرزهای استان کردستان شده است.

کلید واژگان: کولبری، آسیب‌های اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌های امنیتی-انتظامی، مناطق مرزی،

استان کردستان

## مقدمه

کولبری به عنوان یک شغل کاذب در سال ۱۹۹۰ و با ایجاد اقلیم خودمختار در کردستان عراق شکل گرفت. از کولبری تعریف حقوقی خاصی وجود ندارد، به عبارتی مرکز آمار ایران تعریف خاصی از این نوع شغل کاذب ارائه ننموده است؛ اما بر اساس شواهد، کولبران، گروهی از ساکنان روستاها و شهرهای مرزی هستند که با دریافت دستمزد ناچیز، انتقال کالا از مرزها را با حمل بار بر پشت خود و خارج از مبادی رسمی گمرکی مرزی انجام می‌دهند. بر اساس قوانین موجود معابر کولبری در مناطق مرزی ایجاد شده‌اند و کولبران در ساعات مشخص و بر اساس کارت ترددی که در اختیاردارند قانوناً می‌توانند کالاهایی که با مبانی ارزشی دینی منافاتی ندارند وارد کشور نمایند. در این راستا نوع کالا و میزان ارزشی کالایی که وارد کشور می‌شود قابل رصد و قابل محاسبه است؛ اما در کنار این افراد، کولبرانی هستند که در خارج از ساعات مقرر و خارج از معابر اصلی کولبری اقدام به وارد کردن کالا می‌نمایند. در این حالت نوع کالا و میزان ارزش ریالی یا دلاری آن‌ها دقیقاً مشخص نیست. عموم کالاهایی هم که توسط این نوع از کولبران وارد کشور می‌شود کالاهای غیرمجاز بوده که در مواردی ممکن است با مبانی شریعت اسلام در تضاد باشند؛ مانند مشروبات الکلی. در بسیاری از موارد افراد معاند ممکن است در قالب این نوع از کولبران وارد مرزهای کشور شده و با اقدامات تروریستی خود امنیت مناطق مرزی را به خطر بیندازند و این از آسیب‌های مهم امنیت مرزی است که حساسیت برخورد با این افراد را بیشتر نموده است. در این‌گونه موارد طبیعی است افراد تر و خشک هم باهم می‌سوزند و در این میان ممکن است کسانی هم کشته شوند که واقعاً کولبر بوده و بار حمل شده توسط آن‌ها هم در شمول کالاهای مجاز کولبران قانونی باشد. آنچه باعث می‌شود تا افراد خارج از معابر مجاز کولبری و در خارج از ساعات تعیین شده مبادرت به ورود کالا نمایند یا نوع کالای آن‌ها است که مجاز نیست و یا دور زدن محدودیت‌هایی است که برای آن‌ها لحاظ شده است. برحسب قانون و در اجرای عدالت ساکنان مناطق مرزی با دارا بودن کارت تردد در طول هفته مجاز به تعداد دفعات مشخص و محدود برای حمل بار هستند. کسانی که بخواهند خارج از این محدودیت اقدام به کولبری نمایند، معمولاً به روش‌های غیرمجازی که در بالا ذکر شد مبادرت می‌ورزند.

اساساً فعالیت کولبری با دشواری‌ها و خطرات خاص خود همراه است زیرا هرلحظه ممکن است فرد با یک خطا، جان خود را در مناطق صعب‌العبور از دست دهد. کولبران به خاطر درآمد بسیار اندک

در سردترین روزهای سال نیز به کوهستان رفته و گاه تا سه برابر وزن خود بار به دوش کشیده و زیر برف و بهمن می‌مانند. عبور از سیم‌های خاردار، میدان‌های مین، گذر از گل‌ولای، بالا رفتن از مناطق صعب‌العبور و پایین آمدن از کوه، نهان شدن از دید مأموران، یخ زدن در سرما و کولاک، خطر حمله حیوانات درنده، لغزیدن و سقوط از کوه، گیرکردن طناب بار دور گردن و خفگی و خودکشی به دلیل ضبط کالا، بخشی از آسیب‌هایی است که کولبران همواره با آن‌ها دست به گریانند.

جدای از آسیب‌های جسمی، روحی و روانی که در بالا به آن‌ها اشاره شد. رایج بودن این پدیده در سطح کلی‌تر آسیب‌های گسترده‌تری از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و امنیتی-انتظامی به همراه دارد که بررسی و تحلیل آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پدیده نه تنها در سطح کشور بلکه در سطح بین‌المللی هم بازتاب‌های منفی به همراه داشته است و سازمان‌های مدافع حقوق بشر همواره ایران را به دلیل نقض حقوق بشر در کشتار سامانمند کولبران محکوم نموده‌اند و این مهم حساسیت توجه به مسئله را پیش از پیش پررنگ‌تر می‌نماید.

تعطیلی برخی واحدهای تولیدی در این استان‌ها نیز بر پدیده کولبری دامن زده به طوری که تعدادی از کولبران که در واحدهای تولیدی استان کردستان شاغل بوده‌اند، بعد از تعطیلی این واحدها، بیکار شده و به کولبری روی آورده‌اند. فشار اقتصادی ساکنان این مناطق را مجبور ساخته تا جهت امرار معاش یا به شهرهای صنعتی و مرکزی ایران مهاجرت کنند و یا برای تأمین ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگی خود، به شغل کاذب و پرمخاطره کولبری پناه ببرند. این در حالی است که کولبری بخشی از ابزارهای قاچاق کالا است که نه تنها از مصونیت برخوردار نیست بلکه تهدیدهای فراوانی را در پیش دارد.

مسئله این است که مناطق مرزی ایران، جزء توسعه‌نیافته‌ترین مناطق بوده و داده‌های آماری نشان می‌دهند که در مجموع این مناطق از مناطق مرکزی ایران، محروم‌تر هستند. درآمد سرانه پایین‌تر از درآمد سرانه کشوری، سهم ناچیز در تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری بالا، تعطیلی واحدهای صنعتی در این مناطق و فقدان سرمایه‌گذاری‌های جدید از جمله شاخص‌هایی هستند که حکایت از توسعه‌نیافتگی اقتصادی ساختاری در این مناطق دارند.

بر اساس برآوردهای انجام‌شده، کولبران هر سال بیش از سه میلیارد دلار کالا وارد کشور می‌کنند. هرچند این رقم قابل توجه به نظر می‌رسد اما برخی کارشناسان معتقدند این رقم تنها حدود ۲۵ درصد از ارزش کل کالاهایی است که بدون پرداخت عوارض گمرکی وارد کشور می‌شود. قاچاق کالا از

طریق مرزهای ایران یک تجارت بسیار بزرگ به شمار می‌رود که بخش عمده درآمد حاصل از آن نه عاید کولبران، بلکه نصیب سر شبکه‌ها و تجار بزرگی می‌شود که در تهران و دیگر شهرهای بزرگ مستقر بوده و قاچاق کالا برای آن‌ها ارزان‌تر از واردات قانونی کالا به کشور تمام می‌شود. نکته‌ای که در تحلیل عمل کولبران باید به آن پرداخته شود جنبه فرهنگی مسئله است. بدین معنی که درک و تعریف بسیاری از مردم مناطق مرزی از قاچاق تا حد زیادی با تعریف قانونی آن متفاوت است و درک و ذهنیت مشترکی در این زمینه وجود ندارد. مردم کردستان برای واژه قاچاق تعریف دیگری دارند. آن‌ها حمل اجناس و کالاهای معمولی و ورود بدون گمرک کالا را که برای تأمین معیشت و به دلیل بیکاری در مناطق کردنشین صورت می‌گیرد، قاچاق نمی‌دانند. از نظر اغلب مردم منطقه، کولران افراد شریف و زحمت کشی هستند که در پی کسب روزی و معیشت حلال بوده و موردتقدیر و احترام مردم قرار دارند. فقدان ذهنیت و تعریف مشترک میان مردم و قانون، ناشی از تفاوت نگرش به موضوع است. کالای کولبری به سفارش تاجرانی وارد می‌شود که هر ساله چندین بار به چین و امارات و ترکیه سفر کرده و اجناس خود را به راحتی و گاه از طریق ترانزیت از ایران تا اقلیم کردستان و پشت مرزهای ایران حمل نموده و پس‌از آن، اجناس خود را به صورت قاچاق وارد ایران می‌کنند. از منظر جرم‌شناسی و از دیدگاه قانونی، اتهام کولبران غیرقانونی، اقدام به قاچاق و حمل کالایی است که حقوق قانونی و گمرکی آن پرداخت نشده و همچنین خروج غیرقانونی از مرزهای رسمی و تعریف شده بین دو کشور هم‌جوار است.

آنچه در مطالعه حاضر به عنوان مسئله اصلی پژوهش مطرح است پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که پدیده کولبری به شیوه غیرقانونی چه آسیب‌هایی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و انتظامی برای استان کردستان به دنبال داشته است؟ و اینکه چگونه می‌توان این آسیب‌ها را تا حد امکان کاهش داد؟

### مبانی و چهارچوب نظری تحقیق

مرزها هم می‌توانند مانعی در برابر توسعه و یکپارچگی نواحی مرزی باشند و هم به عنوان پلی ارتباطی زمینه تعاملات و پیوند دو طرف مرز را فراهم کنند. فهم این تأثیر بازدارندگی و یا نقش ارتباطی مرزها

وابسته به این است که ما چگونه مرزها و کارکرد آن‌ها را معنی کنیم (چن<sup>۱</sup>، ۲۵، ۲۰۰۶). به‌طور کلی دو دیدگاه غالب درباره نقش مرزها (به‌ویژه در ادبیات توسعه مناطق مرزی) وجود دارد: نخست مرز به‌عنوان خطی جداکننده و دوم مرز به‌عنوان منطقه تماس. از دیدگاه نخست، مرزها به معنای مانع یا فیلتر می‌توانند هزینه معاملاتی و تبادل‌اتی زیادی را به بار آورند. به‌عبارت‌دیگر، مرزی که مانع مشروع شکل‌گیری نظام‌های نهادی، سیاسی و اجتماعی در منطقه مرزی باشد، مانعی در برابر جریان آزاد اطلاعات و تشدید پیچیدگی‌های بازار است. به گفته چن (همان: ۲۷) در این حالت، مرز تمایل بیشتری به جدایی مناطق مرزی هم‌جوار از طریق تعیین حدود، کنترل و نظارت بر عبور و مرور و تشدید قوانین گمرکی دارد تا پیوستگی آن‌ها؛ اما در دیدگاه مرز به‌مانند یک منطقه تماس، منطقه مرزی به‌صورت ناحیه‌ای که شبکه‌ای از بنگاه‌های اقتصادی و سایر شبکه‌های اجتماعی دیگر می‌توانند از خطوط مرزی فراتر روند، فرصت‌ها و مزایای جدیدی خلق می‌کنند و نقش مرز فی‌نفسه از یک مانع به یک پل ارتباطی یا به عبارت ساده‌تر از یک دیوار به یک منبع با ارزش تبدیل می‌شود. بدین ترتیب با نگاهی اجمالی به ادبیات نظری مرز و مناطق مرزی مشخص می‌شود که باگذشت زمان، «مرزهای ملی، بخش عظیمی از کارکردشان را به‌عنوان مانع از دست‌داده‌اند و تعاملات و همکاری‌های میان مرزی به‌طور روزافزونی از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند. پایان سده بیستم با پدیده جهانی شدن مشخص می‌شود و از نشانه‌های این پدیده، اوج‌گیری در حد انفجار همه انواع جریان‌ها و تأثیر هر نوع حرکت بر همه نقاط کره زمین است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۳۸).

فرایندهای جهانی شدن تا آنجا پیش رفته که مانوئل کستلز نظریات خود را در مورد فرایندهای یکپارچگی هر چه بیشتر جهان، در نوشته‌هایی همچون عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ متشکل از ظهور جامعه شبکه‌ای، قدرت هویت و پایان هزاره ۱۹۹۸ بیان کرده است. بر مبنای این مباحث، جریان کالا، سرمایه و مهاجران نه تنها تأثیر حکومت‌های مرکزی را محدود کرده، بلکه فرهنگ محلی و هویت سیاسی را دگرگون ساخته است.

چنین فرآیندهایی با تأثیرگذاری بنیادین بر قدرت و توانایی دولت‌های ملی در کنترل بدون قید و شرط مرزهایشان، عملاً مرزهای ملی را از خطوط برخورد و تضاد به مناطق ارتباط و تعامل تبدیل

نموده است. به عبارت دیگر، در دو دهه اخیر، دگرگونی عظیمی در مفهوم مرزها به وجود آمده، به طوری که مفهوم آن از یک خط به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و نفوذناپذیری به نفوذپذیری بدل شده است (محمد پور و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۴۸).

در همین چارچوب، شهرها و روستاهای مناطق مجاور مرزها، ممکن است روبه زوال روند و یا شکوفا شوند، بسته به اینکه خط مرزی موجب برهم زدن حوزه طبیعی آن‌ها شده باشد و یا برعکس، نقش‌های جدید در خصوص عبور از مرز به آن‌ها داده باشد (مرادیان ۱۳۹۶).

بدیهی است که مرزهای ایران نیز از تحولات اخیر بی‌نصیب نمانده است. در این میان روابط دوجانبه ایران و عراق به ویژه بعد از سقوط رژیم بعث، به دلایلی همچون مشترکات مذهبی و تاریخی و منافع سیاسی و اقتصادی توسعه پیدا کرده و زمینه برای شروع تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت رسمی و غیررسمی فراهم شده است. ساکنان مناطق مرزی غرب کشور نیز با توجه به سطح پایین توسعه یافتگی و عدم برخورداری از زیرساخت‌های مناسب، به منظور ایجاد اشتغال و تحصیل رفاه اقتصادی و اجتماعی به سمت مبادلات اقتصادی و اجتماعی\_فرهنگی که از روابط نزدیک دو کشور حاصل شده، حرکت نموده و در حال حاضر برخی از مناطق به شدت به بستری برای ورود و خروج انواع کالاها و خدمات، ایده و... تبدیل شده است. مناطق مرزی کردستان ایران و عراق به واسطه استقلال و امنیت نسبی کردستان عراق، نسبت به سایر مناطق مرزی دو کشور از رونق و شکوفایی اقتصادی بیشتری برخوردار است و در حال حاضر حجم عظیمی از مبادلات و جریانات مختلف کالا، سرمایه و مردم در جریان است که می‌تواند عاملی کلیدی در توسعه منطقه مرزی مورد مطالعه و ارتقای وضعیت پیرامونی شهرهای واقع در مجاورت مرز باشد. اهداف این مطالعه شامل تبیین نتایج و اثرات تحول کارکرد مرز در شهرهای مرزی، شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحول کارکرد مرز در منطقه مورد مطالعه و شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های پیرامونی شهرهای مرزی که در نتیجه تحول کارکرد مرز به طور مثبتی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، است.

با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن، علت اصلی عقب‌ماندگی این نواحی است (محمد پور و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۴۵). فاینشتاین و دجانی داوودی (۲۰۰۰) معتقدند زمانی که تعامل میان مرزی محدود می‌شود، مردم از یکدیگر جدا می‌شوند، تبادل کالا، خدمات و ایده و نظرات

به حداقل ممکن می‌رسد، تهدیدات ناشی از خشونت زودهنگام پدیدار می‌شود و ساکنان دو طرف مرز از آشنایی با میراث‌های فرهنگی و مذهبی محروم می‌شوند و در نتیجه از درک احساسات یکدیگر بی‌نصیب می‌شوند. بوروکراسی‌های اداری، تعرفه‌های گمرکی و قوانین و مقررات دست‌وپا گیر منجر به شکل‌گیری شرایطی می‌شود که به واسطه آن فرصت‌های محدودی برای استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تقسیم‌کار وجود خواهد داشت؛ بنابراین اقتصاد منطقه بسته‌تر، شرکت‌ها کوچک‌تر و رقابت کمتری نیز وجود خواهد داشت.

اقتصاددانان از این نوع مرزها به‌عنوان مانع تجارت بین‌المللی یاد می‌کنند. نتایج چنین مرزی این است که میزان روابط اقتصادی مناطق مجاور به‌طور ناگهانی جایی که مرز غیرقابل نفوذ است، به‌شدت افت می‌کند. به‌طوری‌که شهرهای مجاور این نوع مرزها، مسیر بسیار سختی برای توسعه و رشد اقتصادی پیش رودارند. وجود چنین شرایطی همراه با موقعیت حاشیه‌ای این مناطق در جغرافیای سرزمین، مناطق و سکونتگاه‌های مرزی را به نواحی پیرامونی در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تبدیل می‌کند و به توزیع ناعادلانه قدرت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در سطح کشور دامن می‌زند. محققان متعددی در مورد معیارهای شناخت و اندازه‌گیری میزان کارکرد بازدارندگی مرز و به‌عبارت‌دیگر تحول کارکرد بازدارندگی مرز سخن گفته‌اند. برای مثال به اعتقاد ریتولد (۲۰۰۱: ۸۳) مهم‌ترین نشانه‌ها و دلایل کارکرد بازدارندگی مرز عبارت است از:

۱- زیرساخت‌های ضعیف حمل‌ونقل و ارتباطات بین‌المللی

۲- هزینه بالای حمل‌ونقل

۳- اولویت مصرف‌کنندگان به مصرف کالاهای داخلی

۴- مداخله دولت به انواع مختلف در منطقه

۵- نبود اطلاعات و آگاهی مردم در مورد کشورهای همسایه و خارجی

پسچل (۱۹۹۲) معتقد است که علاوه بر هزینه‌های حمل‌ونقل و هزینه‌های ناشی از فاصله، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و تفاوت در وضعیت اجتماعی و سیاسی زندگی<sup>۱</sup> ممکن است به‌صورت عمداً و یا سهواً در چگونگی کارکرد مرز مؤثر باشد (لاین، ۲۰۰۶: ۲۸).

توپالوگلو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹: ۶۵) نیز با اقتباس از کاتن و گراسلند (۱۹۹۲) بیان می‌کند که دو عامل ناهمگونی و تفاوت میان شهرها و روستاهای دو طرف مرز و گسستگی جریان‌ات میان آنها، از جمله شواهد کارکرد مانعی مرز به شمار می‌رود. وی درجایی دیگر مهم‌ترین شاخص‌های شناخت تحول کارکرد مرز را اندازه بازار، میزان قدرت خرید، موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی، میزان فاصله از شهرهای بزرگ، کیفیت و بهره‌وری پایین شرکت‌ها و تفاوت در تولیدات اقتصاد محلی معرفی می‌کند. لین (۲۰۰۷) نیز در مقاله خود به منظور شناسایی میزان تحول کارکرد مرز میان فنلاند و روسیه، به بررسی شاخص‌هایی مانند وضعیت تجارت میان مرزی، وضعیت عمومی منطقه، میزان همکاری و مشارکت، جغرافیای اقتصادی منطقه، وضعیت عبور و مرور و زیرساخت‌های ارتباطی می‌پردازد.

مین (۱۹۶۳) معتقد است که کارکرد مرزها ثابت و ایستا نبوده و نسبت به دوره‌های مختلف زمانی دچار تغییر می‌شود (قاسمی و صفی پور، ۱۳۹۲، ۱۱۱). هرچند که در روند پرشتاب جهانی شدن دنیای کنونی، یکپارچگی مرزها مطرح است و این امر را پایان مدل وستفالی می‌دانند (نیومن، ۲۰۰۳، ۴۳)، اما باید دانست که حتی در این صورت نیز کارکرد مرزها تغییر می‌یابد نه اینکه اهمیت امنیتی آنها از بین برود البته روند کنونی جهان به‌ویژه افزایش مناطق و فضاهای مسئله‌ساز، اهمیت امنیت مرزها را پررنگ و بارز کرده است.

تغییر و تحولات بین‌المللی و داخلی می‌توانند نگاه و سیاست‌های دولت و حاکمیت را به مرزها تغییر دهند که این امر نیز زمینه‌ساز تغییر کارکرد و عملکرد مرز می‌شود. در ارتباط با چگونگی دیدگاه دولت‌ها به مرزهای سه پارادایم اصلی مطرح است. این پارادایم‌ها عبارت‌اند از پارادایم‌های واقع‌گرایانه، انتقالی و جهانی. در پارادایم واقع‌گرایانه دولت مهم‌ترین بازیگر در عرصه مدیریت مرزهاست که آنها را جهت حفظ حاکمیت، کنترل و محافظت می‌کند. در پارادایم انتقالی یا بینابین همچنان بر نقش دولت در کنترل مرزها تأکید می‌شود، با این تفاوت که مرزها را نه به‌عنوان سد، بلکه به‌عنوان پل‌هایی که می‌توانند مفید باشند؛ می‌نگرند و در این راستا برخی آزادی‌های گمرکی و خدمات‌دهی به مناطق مرزی انجام می‌گیرد. در پارادایم جهانی نیز که اکنون بیشتر مورد پذیرش است مرز به‌عنوان مانع عمل نکرده و اقدامات انسدادی انجام نمی‌گیرد و دولت‌ها با بازیگران غیردولتی و بین‌المللی وارد تعامل می‌شوند و



قلمرو مرز به منطقه مرزی می‌رسد که بیشتر تحت تأثیر تغییر و تحولات بین‌المللی است تا دولت‌های ملی (موراچفسکا، ۲۰۱۰، ۳۳۶-۳۳۸).

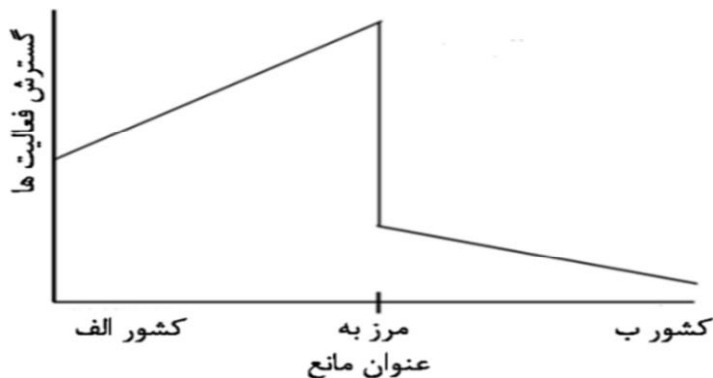
با در نظر گرفتن تحولات جهانی و منطقه‌ای در رابطه با کنترل و مدیریت مرز و مناطق مرزی سه راهبرد اساسی، تهدید محور، فرصت محور و تلفیقی قابل تدوین است.

الف) راهبرد تهدید محور؛ پایه این راهبرد بر تهدید زا بودن مرزها و مناطق مرزی است. بر اساس این نگرش، شرایط و وضعیت به‌گونه‌ای است که تهدیدهای بالقوه و بالفعل بسیار بیشتر از فرصت‌هاست، یا وضعیت و موقعیت جهت بهره‌مندی از فرصت‌های مرزی مناسب نیست. بر مبنای این تفکر شاکله مدیریت و کنترل مرز به شیوه کنترل شدید و انسدادی و نظامی و امنیتی شکل می‌گیرد. در نتیجه مرزها و مناطق مرزی به‌عنوان مناطق نظامی و امنیتی تحت حفاظت شدید قرار گرفته و مدیریت آن اغلب در اختیار قوای نظامی و دستگاه‌های امنیتی است. این راهبرد بر کارکرد و معنی نخست مرز یعنی جداکننده بودن آن تأکید دارد و مرز به‌عنوان مانع و پالایه‌ای عمل می‌کند که جلو حرکت و جریان را در فضا می‌گیرد (روشن، ۱۳۹۱، ۶۵؛ زرقانی، ۱۳۹۲، ۵۲؛ چن، ۲۰۰۶، ۸). منظور از مانع، عوامل و شرایطی در زمان و مکان هستند که از حرکت آزادانه و راحت مردم، سرمایه، کالاها، اندیشه‌ها و... جلوگیری کرده و موجب قطع ارتباط دو سوی مرز یا ارتباط بسیار محدود و کنترل‌شده می‌شوند (لین، ۲۰۰۶، ۴۱؛ ون هوتوم، ۱۹۹۸، ۳۲). به چنین مرزهایی مرز بسته گفته می‌شود (نیومن، ۲۰۰۳، ۱۲۷). هوتوم (۱۹۹۸) بر اساس شکل شماره ۱، معتقد است که در این حالت مرز مانند سد عمل می‌کند. تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی بسیاری را با کاهش تعامل و میزان فعالیت‌ها در دو سوی مرز موجب می‌شود، که توسعه آن‌ها را با کندی و دشواری روبه‌رو می‌سازد (هوتوم، ۱۹۹۸، ۴۲).

۱. Moraczewska

۲. Laine

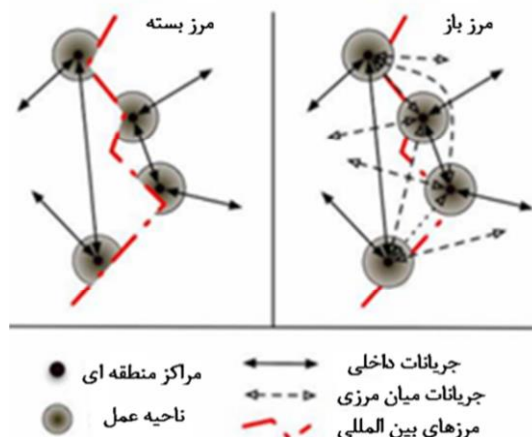
۳. Van Houtum



شکل شماره ۱: نقش مرز به عنوان مانع (مرزهای بسته) در تداوم گسترش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی (منبع: هوتوم، ۱۹۹۸، ۴۲)

ب) راهبرد فرصت محور؛ تأکید اصلی در این راهبرد بهره‌مندی بیشتر از فرصت‌های مناطق مرزی است که بر اساس آن توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه به‌ویژه مناطق مرزی حاصل می‌شود و بسیاری از تهدیدها از بین می‌روند.

ج) راهبرد تلفیقی؛ نگرش این راهبرد به‌صورت ترکیبی به موضوع مرز و مناطق مرزی بوده و جنبه‌های فرصت و تهدید را به‌صورت همه‌جانبه در مدیریت مرزی در نظر دارد. مناطق مرزی را به‌عنوان فرصت‌ها و مزایایی برای توسعه و پیشرفت می‌داند، همچنین به تهدیدها و آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی که مناطق مرزی نیز توجه دارد (روشن و سعادت، ۱۳۹۱، ۷۵). در دو راهبرد اخیر مرزها به‌عنوان مرزهای باز مورد استفاده قرار می‌گیرند که جریان کالا، انسان، اندیشه و ... برخلاف مرزهای بسته (شکل شماره ۲) در آن آزادانه صورت می‌گیرد و اقدامات انسدادی مرزها کم‌رنگ شده و اهمیت چندانی ندارد.



شکل شماره ۲: نمایش مرزهای باز و بسته (منبع: لین، ۲۰۰۶، ۸۲)

با نگاهی به روند توسعه کشور می‌توان پی برد که همواره یا تا چند سال اخیر مکتب نوسازی و الگوهای حاکم آن مانند الگوی مرکز پیرامون، قطب رشد و دوگانگی هم‌راستا با دیدگاه پخش‌گرایی بر روند توسعه کشور حاکم بوده است. این امر یعنی دوری از رویکردهای جامع توسعه موجب فقدان توسعه و رشد اقتصادی نامتوازنی حاصل شود و مناطق مرزی را در حاشیه قرار داده و این امر به‌عنوان عاملی مهم زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، آدم‌ربایی، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در مرزها ایجاد شود (احمدی پور، ۲۰۱۳، ۷۲-۷۳). تأثیرات این نابسامانی‌های امنیتی در مرزها به تدریج کل کشور را فراگرفته تا امنیت ملی کشور تحت تأثیر قرار گیرد.

با توجه به اینکه پدیده کولبری در رابطه با مرز و در مناطق مرزی اتفاق می‌افتد، آسیب‌های متعددی را بر ساکنان این مناطق وارد می‌کند. بر این اساس در مطالعه حاضر تلاش شده است تا این آسیب‌ها در سه حوزه اقتصادی؛ اجتماعی و امنیتی-انتظامی مورد بررسی قرار گیرند.

## روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر برحسب هدف کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات موردنیاز جهت انجام این پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری پیشینه تجربی و نظری و از روش میدانی برای

گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه بهره گرفته شده است. جهت احراز روایی محتوای به‌ویژه روایی صوری پرسشنامه از نظر افراد متخصص و آگاه به موضوع استفاده شده و پرسشنامه نهایی بر اساس نظرات آن‌ها اصلاح و بین نمونه آماری توزیع شده است. همچنین جهت سنجش پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای تمامی متغیرهای تحقیق و کل پرسشنامه بیش از ۰.۷ است که بیانگر قابل اعتماد بودن نتایج حاصل از به‌کارگیری این ابزار است. جامعه آماری این مطالعه دربرگیرنده کولبرانی است که از دو منطقه مرزی بانه و مریوان مبادرت به حمل کالا با استفاده از کول خود می‌نمایند. تعداد ۱۲۰ نفر از کولبران فعال در دو منطقه مرزی نامبرده بر اساس فرمول کوکران به شیوه طبقه‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. از آمار توصیفی برای توصیف متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق و متغیرهای اصلی پژوهش استفاده شده و در آمار استنباطی برای مشخص نمودن پیامدهای کول بری در سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و انتظامی از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردیده است.

## یافته‌ها

نتایج توصیفی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد بیشتر کولبرانی که در مطالعه حاضر مشارکت داشتند متأهل بوده که در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشته و مدرک تحصیلی آن‌ها دیپلم بوده است. سابقه کولبری آن‌ها بین ۵- تا ۸ سال بوده و بیشتر از معابر غیررسمی مرز مریوان و در ساعات تعیین شده مجاز اقدام به کولبری نموده‌اند. این کولبران در هفته سه روز اقدام به کولبری نموده و میزان درآمد ماهانه خود از کولبری را بین یک تا سه میلیون تومان اعلام کرده‌اند. این کولبران عمدتاً از محتوای بار حمل شده آگاه بوده ولی به دلیل نیاز شدید مالی به‌ناچار تن به حمل آن بار داده‌اند. عموم کولبران مالکیت بار را متعلق به دیگران دانسته و بار را به‌صورت تضمینی در مسافتی بین یک تا ۲ کیلومتر به‌صورت گروهی برای مالک حمل می‌کنند. بیشتر کولبران بر این باور هستند که هم خود و هم اطرافیان دید مساعدی به کولبری نداشته و نبود اشتغال و نیاز شدید مالی آن‌ها را وادار به امر کولبری نموده است. عموم کولبران بیان کرده‌اند که استعدادهای کشاورزی و پتانسیل‌های مستعد سرمایه‌گذاری در روستا یا به‌خوبی شناسایی نشده‌اند و یا اینکه حمایت‌های مالی مناسب از طرف سازمان‌های زیربسط برای ایجاد واحدهای

تولیدی و تبدیلی جهت ایجاد اشتغال پایدار که مانع کولبری آن‌ها در مناطق مرزی شود به عمل نیامده است.

نتایج تحلیلی داده‌ها نشان می‌دهد که رایج بودن پدیده‌های کولبری آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی انتظامی متعددی را به همراه دارد که به‌زعم کولبران مهم‌ترین این آسیب‌ها مواردی است که در جدول شماره (۱) ارائه شده است:

جدول شماره (۱): آسیب‌های ناشی از پدیده کولبری در استان کردستان به‌زعم نمونه آماری

پژوهش

| ردیف | عنوان آسیب   | نوع آسیب | میانگین |
|------|--|----------|---------|
| ۱    | افزایش قانون‌شکنی و کم‌اهمیت جلوه دادن قانون                   | اجتماعی  | ۳.۹     |
| ۲    | افزایش استفاده از مشروبات الکلی                                | اجتماعی  | ۳.۶۴    |
| ۳    | احساس حقارت و شرمندگی فرزندان و اعضای خانواده کولبران          | اجتماعی  | ۳.۳۲    |
| ۴    | کاهش اصول وحدت، همدلی و مشارکت بین ساکنان مناطق مرزی           | اجتماعی  | ۳.۳۱    |
| ۵    | خدشه‌دار شدن عزت و احترام خانواده‌ها                           | اجتماعی  | ۳.۲۷    |
| ۶    | کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر ساکنان منطقه مرزی | اجتماعی  | ۳.۲۵    |
| ۷    | کاهش انگیزه تولید بین ساکنان مناطق مرزی                        | اقتصادی  | ۰.۱۲۷   |
| ۸    | کاهش تولید محصولات کشاورزی                                     | اقتصادی  | ۰.۱۱۸   |
| ۹    | افزایش گرایش به فعالیت‌های کاذب اقتصادی                        | اقتصادی  | ۰.۱۰۹   |
| ۱۰   | کاهش تولید محصولات باغداری                                     | اقتصادی  | ۰.۰۹۸   |
| ۱۱   | کاهش انگیزه تلاش برای بهبود رفاه اقتصادی                       | اقتصادی  | ۰.۱۱۱   |
| ۱۲   | کاهش امید به زندگی   | اقتصادی  | ۰.۱۱۷   |
| ۱۳   | عدم سرمایه‌گذاری مناسب در صنایع دستی                           | اقتصادی  | ۰.۰۸۹   |

|      |                |  |    |
|------|----------------|--|----|
| ۴.۱۲ | امنیتی-انتظامی | به مخاطره افتادن امنیت مالی کولبران و ساکنان مناطق مرزی                  | ۱۴ |
| ۴.۱۱ | امنیتی-انتظامی | افزایش قانون ستیزی بین کولبران و ساکنان مناطق مرزی                       | ۱۵ |
| ۳.۹۹ | امنیتی-انتظامی | خدشه‌دار شدن چهره بین‌المللی کشور  | ۱۶ |
| ۳.۹۶ | امنیتی-انتظامی | آسیب‌دیدگی امنیت روانی خانواده‌های کولبران                               | ۱۷ |
| ۳.۹۴ | امنیتی-انتظامی | حمایت ساکنان مناطق مرزی از کولبران در مقابله با نیروهای مرزبانی          | ۱۸ |
| ۳.۹۲ | امنیتی-انتظامی | به مخاطره افتادن جان کولبران   | ۱۹ |
| ۳.۸۵ | امنیتی-انتظامی | کاهش اعتماد ساکنان مناطق مرزی به نیروهای مرزبانی به‌عنوان حافظان امنیت   | ۲۰ |
| ۳.۸۵ | امنیتی-انتظامی | افزایش ارتباط کولبران با رسانه‌های خارجی و مظلوم‌نمایی خود               | ۲۱ |
| ۳.۷۴ | امنیتی-انتظامی | افزایش تنفر ساکنان مرزی به دلیل شلیک به افراد بی‌گناه توسط نیروی انتظامی | ۲۲ |
| ۳.۶۷ | امنیتی-انتظامی | افزایش نفرت و تنفر از نیروهای مرزبانی                                    | ۲۳ |
| ۳.۵۷ | امنیتی-انتظامی | امکان سوءاستفاده معارضین نظام از وجود پدیده کولبری در تبلیغات رسانه‌ای   | ۲۴ |

بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود که رایج بودن پدیده کولبری در استان کردستان آسیب‌های اجتماعی چون افزایش قانون‌شکنی و کم‌اهمیت جلوه دادن قانون، افزایش استفاده از مشروبات الکلی، احساس حقارت و شرمندگی فرزندان و اعضای خانواده کولبران، کاهش اصول وحدت، همدلی و مشارکت بین ساکنان مناطق مرزی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر ساکنان منطقه مرزی را به همراه داشته است. از نظر اقتصادی هم کاهش انگیزه تولید

بین ساکنان مناطق مرزی، کاهش تولید محصولات کشاورزی، کاهش تولید محصولات باغداری، کاهش انگیزه تلاش برای بهبود رفاه اقتصادی، کاهش امید به زندگی و عدم سرمایه‌گذاری مناسب در صنایع دستی از جمله آسیب‌هایی است که معلول پدیده کولبری در استان کردستان بوده است. نهایتاً به مخاطره افتادن امنیت مالی کولبران و ساکنان مناطق مرزی، افزایش قانون ستیزی بین کولبران و ساکنان مناطق مرزی، خدشه‌دار شدن چهره بین‌المللی کشور، آسیب‌دیدگی امنیت روانی خانواده‌های کولبران، حمایت ساکنان مناطق مرزی از کولبران در مقابله با نیروهای مرزبانی، به مخاطره افتادن جان کولبران، کاهش اعتماد ساکنان مناطق مرزی به نیروهای مرزبانی به‌عنوان حافظان امنیت، افزایش ارتباط کولبران با رسانه‌های خارجی و مظلوم‌نمایی خود از جمله مهم‌ترین آسیب‌های امنیتی ناشی از رواج پدیده کولبری در مناطق مرزی است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از تحقیق مشخص گردید پدیده کولبری نه تنها شغل نیست بلکه بر اساس نظر و باور شخصی خود کولبران نوعی توهین و اهانت به شعور انسانی آن‌ها است. از طرفی به دلیل بیکاری، نبود اشتغال مناسب، درآمد اندک و نبود امکانات در مناطق مرزی، ساکنان مناطق مرزی مجبور به روی آوردن به امر کولبری شده‌اند. از طرف دیگر اشتها به امر کولبری باعث پدید آمدن آسیب‌های متعددی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی شده است. لذا هم وجود و هم عدم وجود آن مسئله مهمی است که بایستی راه‌حل اساسی برای برون‌رفت از آن اندیشیده شود. برای ارائه این راه‌حل باید به دنبال شناسایی عوامل اساسی بود که باعث رواج پدیده کولبری در مناطق مرزی شده است.

ریشه و علت رواج این پدیده را می‌توان در دو عامل اصلی، جبر محیطی و جبر ساختاری و جستجو نمود. عامل اول رواج پدیده کولبری در مناطق غربی، جبر محیطی است. جغرافیای کوهستانی و ناهموار این مناطق در کنار دوری از مرکز، مجال چندانی را برای گسترش و ایجاد فرصت‌های اشتغال در زمینه‌های مختلف کشاورزی، خدمات و صنعت فراهم نکرده است.

عامل دوم که نقش و تأثیر آن از عامل قبلی بسیار بیشتر است، جبر ساختاری است. با توجه به آنکه

طبق اصول متعدد قانون اساسی، دولت موظف است امکانات اولیه و فرصت‌های اشتغال و توسعه را به‌طور برابر برای همه ساکنان این مرزوبوم فراهم کند تا بر اثر آن شاهد عدالت فضایی و عدالت اجتماعی در جامعه باشیم، متأسفانه با سیاست‌ها و برنامه‌های تمرکزگرایان که از سال ۱۳۲۷ تاکنون به اجرا درآمده است، مناطق برخوردار و غیر برخوردار در کشور شکل گرفته‌اند. استان‌های مرزی غربی، هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب در زمره مناطق غیر برخوردار و توسعه نیافته کشور بوده‌اند که با وجود داشتن امکانات خدادادی و نیروی انسانی فعال، از کمترین میزان سرمایه‌گذاری دولتی در زمینه اشتغال پایدار بهره برده‌اند. بدیهی است توسعه نیافتگی و محرومیت، مردم را برای امرار معاش حداقلی خود به سمت پدیده‌هایی مانند کولبری می‌کشاند.

بحث کولبری معلول اتفاقات دیگر است، تا زمانی که نیاز به کالاهای خارجی در کشور باشد بحث کولبری و حتی قاچاق نیز خواهد بود. بروکراسی پرپیچ‌وخم ترخیص کالا از گمرکات و کیفیت نامناسب کالاهای تولید داخل را از مهم‌ترین دلایل بحث کولبری و نیز پدیده قاچاق در استان‌های مرزی دانست. سود ناشی از دادوستد کالاهای خارجی به دلیل کیفیت بالا از دیگر دلایلی است که به بحث کولبری در مناطق مرزی کشور دامن زده است.

تا زمانی که قوانین دست و پاگیر واردات کالا وجود دارند برای واردکننده به‌صرفه‌تر است که کالا را از طریق قاچاق وارد کشور کند و وقتی به این‌گونه معابر و بازارچه‌های ترخیص کالا نمی‌نهد. از طرف دیگر تا زمانی که تقاضا برای کالای قاچاق در داخل کشور وجود دارد باید منتظر ورود کالای قاچاق باشیم و به تبع آن این واردات قاچاق به‌وسیله کولبران خواهد بود.

**نقدی بر راهکارهای ارائه‌شده جهت حذف و یا کاهش پدیده کولبری در استان‌های غربی**

### کشور

درحالی‌که پدیده «کولبری» به‌عنوان یک آسیب اجتماعی بخشی از جامعه مرزنشینان کشور را درگیر خود کرده و بسیاری از مسئولان از تلاش برای پایان این پدیده از طریق اقدامات مختلف دستگاه‌های دولتی سخن می‌گویند، اما به نظر می‌رسد جای خالی برنامه‌ای جدی برای پایان این آسیب اجتماعی و ساماندهی کولبران در این لایحه به چشم نمی‌خورد.

در این چارچوب یکی از راهکارها این بود که کولبران بیمه تأمین اجتماعی، بیکاری، مستمری،



از کارافتادگی و دیه داشته باشند. راه‌حل دیگر تشکیل تعاونی مرزنشینان بود. همچنین در یکی از راهکارها پیشنهاد داده شده بود که مسیر کولبری آسفالت شود و بارها با چهارچرخ یا وسیله نقلیه موتوری جابجا شود. این راه‌کار از آن جهت بی‌بها به نظر می‌رسد که علل و ریشه‌های ساختاری و غیر ساختاری پدیده کولبری را به مسئله راه و حمل‌ونقل کولبری کاهش می‌دهد. غافل از اینکه بار کولبری یعنی بار غیرقانونی؛ یعنی احتمال انفجار مین‌های کمین کرده از دوران جنگ، یعنی احتمال معلولیت یا مرگ. نمی‌توان با آسفالت کردن معابر صعب‌العبور کوهستانی مسئله کولبری را حل کرد.

بعلاوه، پیشنهاد داده شد که نمایندگان باید در خانه ملت قانونی تصویب کنند که از حقوق کولبران به‌عنوان بخشی از جامعه هدف حمایت اساسی به عمل آورد و مسئولان استانی هم در این راستا باید تسهیلگر باشند. ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک در شهرهای مرزی استان کردستان باهدف حل مشکل کولبری هم یکی از راه‌حل‌های ارائه شده است.

همچنین صدور کارت بازرگانی الکترونیک یکی دیگر از راه‌حل‌ها بوده است. درواقع، بر اساس آیین‌نامه ساماندهی کولبران، راه‌اندازی سامانه‌ای توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و صدور کارت‌های الکترونیک برای کولبران در دستور قرار گرفته است؛ به‌این‌ترتیب کولبران برای واردات کالا به‌جای عبور از معابر صعب‌العبور از طریق بازارچه‌های مرزی و رسمی کشور و تحت نظارت‌های قانونی که قانون‌گذار در حوزه‌های مختلف پیش‌بینی کرده اقدام به واردات کالا خواهند کرد.

البته در کنار ارائه تمامی این راه‌حل‌ها برخی هم براین امر تأکید داشتند که باید راهکارهای جایگزین کولبری ضمانت اجرایی داشته باشد و کولبران سروسامان بگیرند. باید درآمدها پایدار و مداوم و راهکارهای جایگزین کولبری هم در یک حد قابل قبول باشد. زیرا با رسمیت دادن به کولبری نمی‌توان قاچاق را کنترل کرد.

بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ و برنامه دو ساله دولت برای سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کشور و اسناد مرتبط با آنکه از سوی سازمان برنامه و بودجه منتشر شده‌اند، نشان از آن دارند که با تداوم روند فعلی اقتصاد کشور، کولبری نه تنها کاهش نخواهد یافت که احتمال افزایش آن هم وجود دارد و هیچ برنامه منسجمی برای مقابله با آن طراحی نشده است و برخی برنامه‌های تدوین شده قبلی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانستند موجب کاهش تعداد کولبران شوند، به‌درستی اجرا نشده‌اند.

طبق گزارش «برنامه تولید و اشتغال بر پایه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» درمی‌یابیم که نرخ

بیکاری استان‌های درگیر پدیده کولبری بیش از نرخ بیکاری میانگین در کشور است. این وضعیت دستکم در مورد استان‌های کرمانشاه، آذربایجان غربی و کردستان بر اساس آمار بیکاری در سال ۱۳۹۷ به چشم می‌خورد. بیکاری بالاتر از حد میانگین مناطق مرزنشین به‌طور طبیعی سه‌راه را پیش روی جوانان ساکن این استان‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین بخش بیکاران یک استان خواهد گذاشت. آنان یا باید دست به مهاجرت از استان خود زده و به سراغ استان‌هایی بروند که وضعیت اشتغال در آن‌ها بهتر است و به‌عنوان مهاجر حاشیه‌نشین در این استان‌ها زندگی بگذارند، یا دچار مشکلاتی نظیر افسردگی و اعتیاد شده و دست به اعمال خلاف قانون نظیر سرقت و مانند آن خواهند زد یا آن‌که در نهایت ناچارند در همان استان خود مشغول اشتغال در مشاغل هم‌چون دست‌فروشی، کولبری، سوخت بری یا مانند آن شوند که این مشاغل هم خود نوع دیگری از آسیب اجتماعی به شمار می‌روند.

نه‌تنها جمعیت بیکار درگیر مشاغل کاذبی چون کولبری می‌شوند که طبق گزارش مذکور، برخی از شاغلان دائمی هم تبدیل به نیروی دارای «اشتغال ناقص» شده و در این بخش به‌ناچار به سمت کولبری گرایش پیدا خواهند کرد.

کولبری به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، تنها زمانی کاهش خواهد یافت که کولبران بتوانند بر اثر اجرای برنامه‌های حمایتی، شغل مناسب جایگزینی را برای خود بیابند.

در جلد اول برنامه عملیاتی دوسالانه دولت (۱۳۹۹-۱۴۰۰) که همراه با لایحه بودجه منتشر شده، راهکارهایی از سوی دولت برای حل مشکلات روستائینان و عشایر به‌ویژه در نقاط مرزی ارائه شده است. باین‌حال به نظر نمی‌رسد که این برنامه‌ها بتوانند تاثیر چندانی بر کاهش جمعیت کولبران بگذارند. در این برنامه عملیاتی و برنامه اجرایی مربوط به «قانون ایجاد اشتغال در مناطق روستایی و عشایری» در سال جاری دولت تلاش کرد تا با اجرای آن، جمعیت بیکاران در مناطق روستایی را کاهش دهد، از واحدهای تولیدی حمایت کرده و تسهیلات در اختیار آن‌ها قرار دهد؛ اما طبق گزارش مذکور، بیشتر واحدهای حمایت شده، واحدهای کوچک و با بازدهی پایین بوده‌اند و شاغلان این بخش اغلب فاقد حمایت بیمه‌ای هستند. در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت که چنین برنامه‌هایی بتوانند به‌صورت مستقیم تأثیری جدی بر کاهش جمعیت شاغلان پدیده کولبری بگذارند.

یکی دیگر از برنامه‌هایی که توسط دولت و به‌صورت ویژه برای بهبود نرخ اشتغال و وضعیت معیشت شهروندان مناطق مرزی در نظر گرفته شده است، طرح‌های مربوط به توسعه کشاورزی و باغی

در کشور است.

پروژه ارتقای معیشت مناطق مرزی عموماً از طریق توسعه باغات در استان‌های مرزی انجام می‌پذیرد. در واقع هدف از اجرای این طرح آن بوده است که با توسعه کشاورزی باغی در کشور بتوان برافزایش نرخ اشتغال در مناطق مرزی اثر گذاشت و شهروندان را ترغیب کرد که به جای کولبری، در فعالیت‌های باغداری مشغول به کار شوند؛ اما اولین نکته آن است که باغداری هم خود یکی از انواع اشتغال فصلی است و تقریباً تمامی کارگران این بخش دارای اشتغال ناقص هستند.

گسترش باغداری به طور حتم برافزایش نرخ اشتغال شهروندان مناطق مرزنشین اثرگذار خواهد بود، اما بازهم شاغلان این بخش در فصل زمستان دچار بیکاری فصلی خواهند شد که همین امر می‌تواند باعث شود تا آنان در این فصل به فکر مهاجرت فصلی و یا انجام اقداماتی نظیر کولبری بیافتند.

با این حال به نظر می‌رسد طرح مذکور هم چندان عملیاتی نشده است. بر طبق گزارش مذکور، برای این طرح مبلغ ۴۲۰۰ میلیارد ریال تسهیلات از محل ترکیب منابع صندوق توسعه ملی و نظام بانکی به صورت مساوی و ۵۰۴ میلیارد ریال یارانه نرخ سود تسهیلات برای این منظور اختصاص داده شده است.

در همین گزارش آماری از عملکرد دستگاه‌های مسئول برای انجام این برنامه ذکر شده است که چندان امیدبخش به نظر نمی‌رسد. بر اساس آمار پرونده‌هایی که تاکنون تشکیل شده است، می‌توان دریافت که اشتغال احتمالی ایجاد شده در این مناطق چندان گسترده نخواهد بود.

بر طبق این گزارش برنامه دوساله تولید و اشتغال، تاکنون به ترتیب در استان آذربایجان غربی ۹۳۸ پرونده، در استان کردستان ۱۲۰۷ پرونده، در استان کرمانشاه ۴۳۱ پرونده و در استان ایلام ۱۲۲ پرونده برای دریافت تسهیلات برای رونق باغداری در استان‌های درگیر کولبری و با گذشت چند ماه از طرح ثبت شده‌اند که از این تعداد تنها به ۵ طرح در استان آذربایجان غربی، ۹ طرح در استان کردستان و ۳ طرح در ایلام تسهیلات پرداخت شده است و هیچ طرحی در استان کرمانشاه تاکنون موفق به اخذ تسهیلات نشده است. در نتیجه مشخص نیست تا پایان سال ۱۴۰۰ برای چند طرح دیگر تسهیلات پرداخت خواهد شد و آیا تعداد طرح‌های باغداری که تسهیلات دولتی دریافت خواهند کرد تا سال ۱۴۰۰ آن قدر خواهد بود که بتوان بر اساس آن امیدوار شد که از تعداد کولبران کاسته خواهد شد یا خیر.

آمار ارائه شده مربوط به طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی در بخش صنعت هم نشان از رونق چندانی در مناطق درگیر پدیده کولبری ندارند. با وجود برنامه‌های متعددی که برای افزایش اشتغال در کشور و در بخش صنعت پیش‌بینی شده است، اما طبق گزارش مذکور و اطلاعات به دست آمده از سامانه هماهنگ و تا پایان ۲۹ آبان ۱۳۹۸، تنها به ۴ برنامه در استان آذربایجان غربی، یک برنامه در ایلام، یک برنامه در کردستان و ۳ برنامه در کرمانشاه تسهیلات پرداخت شده است. در نتیجه باید گفت روند کند اعطای تسهیلات در این بخش هم نمی‌تواند راه‌حلی فوری و اثرگذار بر کاهش جمعیت کولبران باشد.

امروز کولبری از حالت یک مسئله اقتصادی خارج شده و به یک زیست-جهان اجتماعی-فرهنگی بدل شده است. به نظر نمی‌رسد کسی خواهان زندگی در چنین زیست-جهانی باشد یا کولبری از پرچسب کولبری به عنوان یک هویت اجتماعی-اقتصادی راضی باشد.

واقعیت این است که با توجه به مسئله محور بودن چنین زیست-جهانی در بافت اقتصاد ناپایدار و غیررسمی مناطق مرزی غرب کشور، می‌توان گفت که کولبران مناطق مرزی که بر اساس شرایط ساختاری مرزی در بافت شهری اجتماعی خاصی زندگی می‌کنند، زیست-جهانی را بر اساس شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی تجربه می‌کنند که پیامد ناخواسته اقتصاد مرزی غیررسمی در اثر سیاست‌های اقتصادی دولت متمرکز و از نگاه بالا به پایین است. زیست-جهان اجتماعی فرهنگی کولبران لازم است که در بافت مرزی و در چارچوب اقتصاد غیررسمی فهم شود.

### ارائه راهکارهای پیشنهادی به طور عام

با توسعه زیرساخت‌ها و داشتن برنامه‌ای چندبعدی در کوتاه‌مدت، می‌توان فرصت‌های اشتغال زیادی را در زمینه‌های توریسم تجاری، اکوتوریسم و بوم گردی در این مناطق ایجاد کرد و در کنار ساماندهی بهینه مدیریت مرزها و بازارچه‌های مرزی، به رونق اقتصاد و اشتغال در این منطقه کمک کرد. مکانیزه کردن کشاورزی و آموزش و تشویق مردم در زمینه‌های زنبورداری و پرورش ماهی با توجه به وجود رودخانه‌های متعدد و صادر کردن محصولات آن به کشورهای همسایه، از دیگر راهکارهایی است که می‌تواند محدودیت‌های طبیعی استان‌های غربی را به فرصت تبدیل کند. ولی متأسفانه آنچه تاکنون در این مناطق مشاهده شده است، غلبه طبیعت بر اراده انسانی است که الزاماً محرومیت و توسعه‌نیافتگی و رواج بی‌کاری و روی آوردن مردم به کارهای خطرناک مانند کولبری را به ارمغان آورده است. بی‌شک،

ادامه این وضعیت در درازمدت آفت‌زاست.

دولت می‌تواند با مدیریت بهینه مرزها و استفاده از نیروی توانمند بومی در امور اجرایی مناطق مرزی، در کنار سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه‌های جهشی برای رفع محرومیت چندین ساله از این مناطق، گامی استوار در راستای توسعه پایدار و برقراری عدالت فضایی و اجتماعی در استان‌های مرزی بردارد.

تولیدکننده‌های داخلی کشور باید به‌گونه‌ای اعتماد مصرف‌کننده‌های داخلی را جلب کنند که نیازی به خرید و واردکردن کالای خارجی باقی نماند. وقتی تقاضایی برای خرید کالای خارجی نباشد، خودبه‌خود کولبری هم حذف خواهد شد.

بازبینی قوانین صادرات و واردات، توسعه زیرساخت‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی و کارهای فرهنگی را از مهم‌ترین راهکارهای ساماندهی کولبری در مناطق مرزی است و توجه به بعد فرهنگ‌سازی در مناطق مرزی در زمینه‌های مختلف نیز می‌تواند در حل موضوع کولبری و پدیده شوم قاچاق مؤثر باشد.

به نظر می‌رسد حل معضلات مربوط به کولبران نه تنها نیازمند ساماندهی معابر پیله‌وری یا تصویب قوانین حمایتی از این قشر زحمتکش است، که تنها زمانی ممکن خواهد بود که برای کولبران فرصت اشتغال در مشاغل بهتر ایجاد شود و آنان بتوانند به‌جای کولبری به شغل دائمی دیگری بپردازند که وضعیت درآمدی آنان را سامان دهد و بهبود ببخشد.

کولبران امنیت زندگی و گذر از اشتغال ناپایدار غیررسمی می‌خواهند و این امر محقق نخواهد شد مگر با دانشی که کارگزاران منطقه‌ای و محلی را اقناع و مجاب کند از طریق برنامه‌ریزی توسعه اشتغال محور مبتنی بر ظرفیت منطقه‌ای که به شیوه‌ای مناسب مدیریت شود.

### ارائه پیشنهادها کاربردی به‌طور خاص برای ناجا

با توجه به اینکه پدیده کولبری آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی-انتظامی متعددی به همراه دارد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ضابط برقرار نظم و امنیت در جامعه می‌تواند با اقدامات زیر در راستای کاهش این آسیب‌ها نقش قابل‌توجهی داشته باشد:

- ۱- بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته که امکان اسکن محتوای بار حمل شده توسط کولبران را داشته باشد تا با اطلاع از آن، رفتارهای کم‌خطرتری با کولبران داشته باشند.
- ۲- در هنگام تیراندازی اجباری از سلاح‌های غیره کشنده استفاده نمایند.
- ۳- در تیراندازی‌های غیرقابل اجتناب کمر به پایین را هدف قرار دهند.
- ۴- اطلاع‌رسانی مناسب در مورد عملکرد خود در برابر حافظت از مناطق مرزی و مبارزه با ورود افراد معاند که در این ارتباط نیروی انتظامی شهدای زیادی را هم تقدیم انقلاب نموده است.
- ۵- آموزش مهارت‌های مناسب ارتباطی به مرزبانان در برخورد با کولبران
- ۶- تعامل مناسب با فرمانداری‌ها برای افزایش تعداد روزهای حمل بار بر اساس کارت پیله‌وری
- ۷- مجوز استفاده از ابزارهای دیگر برای حمل و جابجایی بار
- ۸- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مساجد روستاهای مرزی در راستای روشنگری و آگاهی مرزنشینان از تبعات استفاده از کالاهای قاچاق
- ۹- برگزاری دوره‌های آموزشی در روستا برای افزایش اعتماد بین نیروهای مرزبانی و مرزنشینان
- ۱۰- حضور در برنامه‌های صداوسیما استانی به‌طور ماهانه و تشریح برنامه‌های خود در مناطق مرزی و چگونگی صیانت و حفاظت از ساکنان مناطق مرزی
- ۱۱- تعامل سازنده با کارگردانان و فیلم‌سازان صدا و سیما برای ساخت فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی و ... که پوشش واقعی از زندگی ساکنان مناطق مرزی و نحوه برخورد مرزبانان با آن‌ها را به نمایش بگذارد. این امر می‌تواند روی نگرش مثبت سایر شهروندان و حتی افراد خارج از کشور به پدیده کولبری و کولبران تأثیرگذار باشد.
- ۱۲- حمایت همه‌جانبه از اجرای طرح‌های اقتصادی در تمامی زمینه‌های زراعی، باغی، دامداری، شیلات، زنبورداری، گیاهان دارویی، طرح‌های کارآفرینانه روستایی مانند صنایع دستی و گردشگری و ...
- ۱۳- حمایت از اجرای طرح‌های توسعه شهرک‌های صنعتی برای ایجاد صنایع تولیدی و تبدیلی و اعلام آمادگی برای مراقبت امنیتی از سرمایه‌گذاری‌های قابل انجام در منطقه
- ۱۴- حمایت از تألیف و ترجمه کتب و مقالاتی که تجربیات مناسب برخورد نیروهای انتظامی در مواجهه با پدیده‌های شبیه کولبری را انتقال دهد.

## منابع

### منابع فارسی

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی فضای مجازی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- روشن، علی اصغر و فرهادیان، نورالله (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی-نظامی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- روشن، علی اصغر و سعادت‌تی جعفر آبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی نقش و کارکرد کنترل مرز استان خراسان رضوی با افغانستان و تأثیر آن بر امنیت استان، نشریه: فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۸، شماره ۳ پیاپی (۲۷)؛ از صفحه ۱۵۴ تا صفحه ۱۸۱.
- زرقانی، هادی، (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر بر امنیت مرزی با تأکید بر مرزهای شرقی ایران و افغانستان، مجله علوم جغرافیایی، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۹۱
- قاسمی محمد و صفی پور محسن (۱۳۹۲)، بررسی اقدامات انسدادی مرز استان سیستان و بلوچستان بر امنیت استان از دیدگاه صاحب‌نظران، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره یک شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- محمدپور، علی؛ احمدی پور، زهرا؛ بدیعی، مرجان (۱۳۸۵)، نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه جغرافیا، صص: ۱۴۷-۱۷۲.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۶). پدیده کولبری، زمینه‌ها و پیامدها، ماهنامه دیده بان امنیت ملی، شماره ۶۶، صص ۷۵-۸۳.
- نیومن، پیتر و تورنلی، اندی (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی شهری در اروپا: رقابت بین‌المللی، نظام‌های ملی و طرح‌های برنامه‌ریزی، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش.

### منابع لاتین

- Ahmadypour, Zahra, (2013), The Role of Border Markets in Regional Security Case study: Bashmogh Border Market in Marivan; Iran, Geopolitics Quarterly, Volume: 8, No 4, PP 72-92.

- Brzosko-Sermak, Agnieszka. (2007). Theoretical deliberations on frontier location of cities. Bullitin of geography (Socio-economic series), NO. 7.
- Chen, Xiangming. (2006). Beyond the reach of globalization: China's border regions and cities in transition. Pp. 21-46 in Globalization and the Chinese City, edited by Fulong Wu. London: Routledge.
- Feinstein, Barry A., Dajani-Daoudi, Mohammed S. (2000). Permeable fences make good neighbors: improving a seemingly intractable border conflict between Israelis and Palestinians. AM. U. INT'L L. Rev, pp. 1-176.
- Laine, Jussi. (2006). Perceptions toward the Opening of the Finnish Russian border – border as a barrier among actors involved. University of Joensuu, Department of Geography, Master's thesis.
- Moraczewska, A (2010), the changing interpretation of border functions in international relations". Revista Română de Geografie Politică, Year XII, 2 (6), pp. 329-359
- Newman, David. (2003). A companion to political geography. Edited by John Agnew, Katharyne Mitchell, and Gerard Toal. Malden, MA: Blackwell.
- Rietveld, Piet. (2001). Obstacles to openness of border regions in Europe. In van Geenhuizen M & R Ratti (eds) Gaining advantage from open borders. An active space approach to regional development, pp. 79–96.
- Topaloglou, Lefteris. (2009). Obstacles in economic cross border interaction across the EU external and Northern Greek border regions, MIBES Transactions, Vol 3, Issue 1.
- Van Houtum, Henk(1998). The development of cross border economic relations: a theoretical and empirical study of the influence of the state border on the development of cross-border economic relations between firms in border regions of the Netherlands and Belgium. p, 256. Center, Tilburg.